

از لابلای یادداشت‌ها و نیشته‌های روزمره ام

دایره ناپاوری‌ها و گره‌گاه پیچیده تضادهای قومی - نژادی در کشور افغانستان و تهدیدهای برگشت به وضعیت قرون وسطایی عمق فاجعه در متن کشور و تأثیرگذاری حاشیوی آن

بازی‌های منطقی با استدلال و منطق بدوی تحلیل و هضم نمی‌گردد
غلبه سناریوی نظامی تحولات بر روند مصالحه در کشور
تسلط خشونت آمیز قدرت بمفهوم جنگ همه علیه همه
احتمال استفاده از افغانستان در یک بازی کلان جهانی

مسئله قومیت در دنیای امروز یکی از مسایل بسیار رایج در عرصه سیاست و فرهنگ و جامعه می‌باشد. در زبان روزمره واژه قومیت، هنوز دلالت به مسایل اقلیت‌ها و روابط نژادی دارد. اما فارغ از این نگاه عامیانه و سنتی به قومیت، علوم اجتماعی و بویژه انسان‌شناسی، رویکرد‌های دقیق‌تر و عقلانی‌تری را در بررسی امر قومیت تدوین کرده است. اهمیت یافتن مسئله قومیت در انسان‌شناسی بعدی است که در ساختار تحلیلی انسان‌شناختی، واحد اساسی تحلیلی از قبیله به گروه قومی تغییر کرده است. قومیت‌گرایی در کشورهای جهان سوم که گویا فرایندی اجتناب‌ناپذیر است، جوامع رو به توسعه را با چالش‌های متعددی روبرو کرده و می‌کند. از ابعاد مهم این رویارویی وضعیت بحران‌زای اقلیت‌های قومی در این جوامع می‌باشد. بحرانی که می‌تواند بمثابه تهدید و یا فرصت تلقی گردد. در مجموع استحاله فرهنگی در فرآیند یکسان‌سازی جهان، بزرگترین خطری است که صاحب‌نظران برای آینده فرهنگ‌ها و خرده فرهنگ‌ها پیشبینی می‌نمایند. تنوع قومی چالش‌هایی را برای کشورهای جهان سوم به همراه دارد که برخی در قالب تهدید و برخی دیگر به شکل فرصت برومی‌نمایند. در کشورهای مختلف، پراگندگی و تشتت و تبدیل یک دولت - ملت به گروه‌های قومی متعدد، ابعاد جدیدی را به مسئله امنیت ملی در جهان سوم می‌افزاید. شاید ناکاملترین موارد قابل لمس در کشورهای جهان سوم ایجاد یک حس مشترک عمومی در باره ارزش‌ها و علایق می‌باشد. طبیعتاً، ارزش‌های گروه‌های غالب بگونه فعالیت‌های سیاسی آشکار بروز می‌نمایند.

در فرصت حاضر، تذکر این مسئله غنیمت پنداشته می‌شود که در پس زمینه حملات پسین "طالب"‌ها، وعده‌های رئیس‌جمهور کشور مبنی بر تهیه برنامه امنیتی و درهم و برهم نمودن مخالفان مسلح آن‌هم در امتداد زمانی سه تا شش ماه پیشرو، تردید‌هایی را در مورد تطبیق عملی آن ببارآورده است. نباید فراموش نمود که در اراضی کشور ما، عده بیشماری از تروریست‌ها، همراه با "طالب"‌ها موجود بوده و بگونه فعالی در درگیری‌های مسلح در کشور سهم می‌گیرند. در این مورد، از جمله موارد دیگر، عمدتاً سخن از شبکه حقانی در میان می‌باشد که از سال ۱۳۷۳ بدینسو بمنظور برپایی شرعیت اسلامی در افغانستان تلاش می‌ورزد. بر بنیاد اطلاعات منابع با اعتبار، شبکه نامبرده تحت چتر حمایت استخبارات پاکستان، عملکردهایش را سازماندهی و اجرا می‌نماید. شبکه یادشده، مناسبات و پیوندهای همه‌جانبه و گسترده‌ای با دسته‌بندی‌های تروریستی از جمله "القاعده" داشته، وابسته به "طالب"‌ها بوده و آنقدر در رشته‌های تنیده با هم جوش خورده‌اند که غالباً بمثابه یکی از زیرمجموعه‌های آن محسوب می‌گردد. بمفهوم وسیع‌تری، بر پایه جنبش اسلامی ترکستان شرقی که بعد از حزب اسلامی ترکستان را تشکیل داده و بمنظور برپایی و استقرار حاکمیت شرعی از سلول‌های خوابیده در سین‌زیان چین که در آنجا موجود می‌باشند، تلاش می‌ورزند. دسته‌بندی یادشده، در امتداد سال‌های متوالی، مناسبات و روابط گسترده‌ای را با "طالب"‌ها و القاعده، همچنان

همچنان حفظ نموده و تداوم بخشید.

چنین محاسبه می گردد که در برابر نفوذ روزافزون چین در منطقه، جنگجویان ایغور در امتداد سال های پسین بگونه کامل به کشور سوریه نقل مکان نمودند. اما باید اضافه نمود که جنبش اسلامی ازبکستان، تحت عنوان جنبش اسلامی ترکستان بازسازی گردید. اسلامگرایان ازبک، اصل ایجاد و برپایی حکومت متکی بر شریعت در دره فرغانه را بمثابة هدف خویش تعیین نموده اند. صفوف جنبش یادشده، نخست به کشور ما و پس از آن به مناطق قبایلی پاکستان آواره شده و با نیروهای امنیتی پاکستان نیز به درگیری هایی مبادرت ورزیدند. گروه یادشده روابط شان با "طالب" ها و القاعده را همچنان حفظ نموده و در امتداد سال ۱۳۹۳، با حفظ خودمختاری، اما به داعش پیوستند. اتحاد جهاد اسلامی طی سال ۱۳۸۱ اظهار موجودیت نمود. جنگجویان گروه یادشده متشکل از بخش انشعابی جنبش اسلامی ازبکستان، در مناطق قبایلی پاکستان مستقر گردیده اند. در ابتدای امر، گروه یادشده، پخش و گسترش جهاد در سراسر آسیای میانه را بمثابة رسالت شان برگزیده، اما با نزدیکتر شدن با القاعده، فعالیت های شان را در افغانستان و پاکستان تمرکز بخشیدند. در کشور عزیز ما افغانستان، شبکه هایی از دسته بندی های "دولت اسلامی ولایت خراسان" که در سال ۱۳۹۴ ایجاد گردید، همچنان فعال می باشند. بایست یادآور شد که اراضی و قلمرو افغانستان و پاکستان، بشمول بخش هایی از ترکمنستان، تاجکستان، ازبکستان و ایران جز "منطقه مسولیت" آنها محسوب می گردد. گروه نامبرده، بزودی حملات تهاجمی شان را با استخدام بخشی از "طالب" ها، در کشور آغاز نمودند، اما با فشارهای ایالات متحده، افغانستان و پاکستان مواجه شده و اقدامات شان به شکست انجامید. در اوایل ماه سرطان سال روان، وزارت امور خارجه روسیه اعلام نمود که در نتیجه فراخواندن نظامیان امریکایی و ناتو از اراضی افغانستان و رفتار غیرمسئولانه برخی از مقامات در کابل، داعش بمنظور توسعه مناطق تحت تصرفش در شمال کشور تلاش ورزیده و در صدد آماده نمودن زمینه هایی بمنظور انجام حملات مسلحانه می باشد.

بایست متذکر گردید که آغاز نطفه گذاری "القاعده"، بویژه در امتداد سال ۱۳۹۳ در اراضی متعلق به پاکستان آغاز گردید. علیرغم اطمینان "طالب" ها در این مورد که از حضور و موجودیت "القاعده" در قلمرو اراضی افغانستان، تهدیدی متصور نمی باشد، اما نماینده شورای امنیت سازمان ملل ضمن ارائه گزارشی، از مناسبات تنگاتنگ "طالب" ها و القاعده پرده برداشت. بر بنیاد مواد مندرج در گزارش یادشده، در جریان گفتگوهای ایالات متحده با "طالب" ها در دوحه، "طالب" ها بگونه منظم با رهبری القاعده در باره مواد مورد گفتگو به مشوره می پرداختند. امر پنتاگون همچنان افزود که القاعده و داعش، پس از مدتی قادر خواهند گردید تا از نفوذ و تأثیرگذاری قبلی شان در افغانستان سود ببرند.

بخاطر باید داشت که در شرایط امروزی و وضعیت کنونی، همه ی گروه های یادشده، بگونه یکسان اما بدرجات مختلفی، از متحدین نزدیک "طالب" ها پنداشته شده که بنحوی از انحاء باصطلاح آنها با "اشغالگران"، ناتو و رژیم "دست نشانده" آنها در کابل مبارزه نموده و گفته آنها به یقین که با بقدرت رسیدن "طالب" ها، وضعیت در کشور و منطقه از ریشه دستخوش تحول و تغییر خواهد گردید. "طالب" ها که قبلن طعم حاکمیت را چشیده و با مزایای قدرت آشنایی دارند، بگونه ای تلاش میورزند تا در دیدگاه جامعه بین المللی، مشروعیت از دست رفته شان را مجدداً احیا نمایند. آنها با از بین بردن و تخریب نمودن تمامی نشانه ها، مظاهر و نشانه های تاریخی و آثار و بناهای تاریخی پیش از اسلام در کشور، اکنون در صدد تأمین ارتباط و ایجاد تماس هایی با واشنگتن، مسکو و تهران بوده و رسماً اعلام می نمایند که در امر تأمین امنیت دیپلومات های خارجی و تداوم کمک های بشردوستانه تلاش ورزیده و از صدور جهاد با اراضی و قلمرو مربوط به کشورهای همجوار نیز خودداری خواهند ورزید. آنها بویژه از کرملین تقاضاً بعمل آوردند تا بمنظور رفع تعزیرات بین المللی علیه آنها در سازمان ملل لابی گری نماید.

براین بنیاد، می توان بصراحت اظهار نمود که در زمینه یادشده، تأمین روابط و شکل بندی اتحادیهایی با گروه ها و دسته بندی تروریستی بین المللی، چهره "طالب" ها را بگونه وسیعی تخریش نموده و در این زمینه، ضرورت و نیاز فاصله گرفتن آنها از گروه های یاد شده باید در دستور کار آنها قرار داده شود. در شرایط امروزی کشور ما، مسأله فوق باین مفهوم تلقی می گردد که یا بنیادگرهای بیگانه و خارجی را از میان برداشت و یا آنها را باید از کشور بیرون راند.

علاوه بر "طالب" ها و "انترناسیونال تروریستی"، در جبهه سیاسی ممکن نماینده های اقلیت های ملی در امر مبارزه با "طالب" ها آمادگی نشان داده و در امر تلاش مشترک علیه کلیه مظاهر و عوامل تروریستی همت گمارند.

نیاید فراموش نمود که پرسش های مربوط بحل و فصل سیاسی معضل کشورما، بویژه در شرایط و وضعیت کنونی به پیمانۀ وسیعی با معضل مناسبات داخلی نیروهای سیاسی و ملی در کشور مملو از رنج ها و مصیبت های گسترده ما ارتباط مستقیم دارد. منافع کاملن متفاوت و گونه گونه ملیت ها و گروه های قومی در مناطق و محلات کشور را که بویژه در مراحل نوین پیش آمده و در امتداد تاریخ عصر جدید کشور بمثابه واقعیتهای محسو ب می گردد، نیاید فراموش نمود. شهروندان کشور مادامی که تهدید های خارجی موجود می باشد، در قبال آن، وحدت و یکپارچگی خویش را حفظ نموده و اما زمانی که تهدید و خطر خارجی رفع می گردد، بگونه ای هر کدام در پی تصفیه حساب شده و بحل و فصل اختلافات داخلی و خودی می پردازند.

بر بنیاد اطلاعات منابع امنیتی کشور، از یکجانب میان "شورای کویته" و "شورای پشاور" و از جانب دیگر با "شورای عالی امارت اسلامی" نیز اختلافاتی موجود می باشد. اما بخاطر باید داشت که همه موارد و سایر مسایل کلی میان "شورای کویته" و "شورای پشاور" تا کنون همچنان بمثابه معضل لاینحل باقی مانده و موجود می باشد. باید خاطر نشان گردد که در شرایط و وضعیت متنسج نظامی - سیاسی، بخودی خود به نقش فرماندهان محلی افزایش بعمل می آید، اما جاه طلبی های سیاسی و تلاش بمنظور دستیابی به غنیمت ها و منافع جنگی شان واقعن اغراق آمیز بنظر می رسد. بسخن دیگر، "طالب" ها از عدم موجودیت برنامه های بلند پروازانه فرامرزی شان بدیگران اطمینان خاطر داده اند، اما واقعیت یاد شده تا هنوز مشخص نبوده و امنیت کشورهای همجوار افغانستان را اصلن تضمین نمی نماید. وزرای امور خارجه کشورهای عضو پیمان همکاری های شانگهای از طرف های درگیر در قضایای کشور ما تقاضا نمودند تا بیش از هر موقع دیگر در امر قطع درگیری های مسلحانه سعی بخرچ داده و با جمع مغز سرد بحل و فصل سیاسی قضایای کنونی کشور مبادرت ورزند.

این واقعیت بهمگان واضح و روشن می باشد که اگر جریان حوادث درزودترین فرصت ممکن به نتیجه صلح آمیز قضایای کنونی کشور منتج نگردد، نباید انتظار افغانستان واحد را داشت، چه امکان پارچه پارچه شدن و در نهایت امر، شبحی کابوس مانند تجزیه کشور آنها بر بنیاد منافع نژادی و قومی بر فضای میهن عزیز ما درگشت و گذار می باشد. این از یکجانب و از جانب دیگر، اگر پبنتون های پاکستان نیز به منافع مشترک شان بیاندیشند، در چنین وضعیتی، "طالب" های پاکستانی، بویژه پس از پیروزی "طالب" ها در کشور ما، بگونه قطع، مبارزه شان را علیه حاکمان رژیم اسلام آباد که آنها را بمثابه متحدان و طرفداران غرب می پندارند، شدت خواهند بخشید. همچنان، خط "دیورند" را نه پبنتون های کشور ما و نه پبنتون های آنطرف خط یاد شده اصلن برسمیت نمی شناسند.

نیاید فراموش نمود که فراخواندن نظامیان امریکایی، کشور عزیز ما را در آستانه تحول ناگهانی قرارداد. بر بنیاد گزارش های بنشر رسیده توسط پنتاگون، در حدود ۹۵ درصد از نظامیان امریکایی، از افغانستان به کشورشان فراخوانده شده اند. اما "طالب" ها، همچنان به حملات مسلحانه در کشور ادامه داده و به تصرف محلات و مناطقی در کشور مبادرت میورزند. بویژه و قبل از همه، وضعیت مناطق مرزی کشور ما با تاجکستان، اسباب نگرانی دوشنبه را ببار آورده است. اما در امتداد هفته های پسین، برخی از شهروندان کشور ما بمنظور نجات از درگیری های مسلحانه با "طالب" ها به کشور اخیر الذکر پناه بردند.

در شرایط و وضعیت حاضر، این پرسش مطرح میگردد که در امتداد ماهای پیشرو، چه اتفاقاتی منتظر کشور های آسیای مرکزی می باشد؟

در اینمورد قابل یاددهانی پنداشته می شود که امریکاییها چه میراثی در افغانستان بجا گذاشته و آیا با استفاده از آن می توانند سبب ایجاد تغییراتی در چگونگی ساختار کشور ما گردند؟ در این مقطع باید یادآور شد که در گیری های مسلحانه در کشور عزیز ما، عواقب و نتایج مشخص و قابل پیشبینی برای بازیکنان عمده جهانی در خود نهان داشته و اما در گام نخست از چگونگی تأثیر گذاری آن در بعد منطقوی نباید چشم پوشی بعمل آید. مؤفقت و پیروزی پروسه صلح در کشور ما با فاکتورهای دوگانه ذیل مشخص می شود:

عزم و اراده شهروندان کشور بمنظور جستجوی راهها و وسایل نیل بسازش و دورنمای همکاری های دوجانبه

با قدرت های بزرگ، از جمله بمفهوم اخص کلمه، با ایالات متحده و فدراسیون روسیه. برای واشنگتن در عمل باثبات رسیده که بگونه قطعی و کامل بر "طالب" ها فایق آمده و آنها را به شکست قطعی و همه جانبه ای ناگزیر نماید. درچنین وضعیتی، بمنظور حفظ ثبات پایدار جهانی و رشد و انکشاف کشور، همکاری با ایالات متحده، با دول کشورهای همجوار، روسیه، چین، ایران و پاکستان از اهمیت منحصربفردی برخوردار می باشد.

در مورد وسعت دایره ناپاوری ها بایست یاد آور شد که بر بنیاد گزارش های پسین، "طالب" ها قول داده اند که در صورت استعفای اشرف غنی از پست ریاست جمهوری کشور، حاضرند تا به توقف خشونت ها مبادرت ورزیده و سلاح بر زمین بگذارند. شاید شرایط اینچنینی با ایالات متحده و کشورهای اتحادیه اروپا هماهنگ شده باشد، اما در منطقه، به توانایی و ظرفیت "طالب" ها در امر پابندی به توافقات بدست آمده، شک و تردید های فراوانی وجود داشته و اشرف غنی هم از طرح جدید ستراتیژی امنیتی سخن می گوید. درآشفته بازار وضعیت سیاسی - اجتماعی و تحرکات "طالب" ها، احتمالن کشور عزیز ما منتظر تکرار گزینه سال ۱۳۷۱ خواهد بود.

اما یافتن زبان مشترک با شهروندان کشور، حتا در صورت پیروزی "طالب" ها، مسأله عمده و قابل تأمل در کشور پنداشته می شود.

تصور نمایید که اگر "طالب" ها موفق گردند، در این مورد چه باید کرد؟

آیا قوت های بین المللی با اشتراک روسیه، چین، ایران، کشورهای عضو پیمان همکاری های شانگهای، اندونیزیا و یا کشورهای دیگر باید به کشور ما فرستاده شوند و یا رهبران "طالب" ها بمنظور انجام مذاکرات و گفتگوها فراخوانده شوند؟

در امتداد ماهای پسین، از یکطرف شاهد ادامه غوغای شدید نظامی و سیاسی از جانب جمهوری اسلامی افغانستان بودیم و از جانب دیگر، منافع عدیده و گونه گونه طرف های درگیر، سبب تشتت کشور و مردم گردیده است. نظامیان امریکایی شهرهای کشور ما را بمبارد می نمایند، "طالب" ها نیز پیش از پیش بآتش درگیری های مسلحانه هیزم می ریزند و عده ای هم غیرنظامیان و افراد ملکی کشور را در امتداد راه نابود و معدوم می نمایند. جریان ازدیاد روزافزون مهاجران کشور واقع نگران کننده می باشد. درگیری های مسلحانه در اراضی کشور ما همچنان ادامه داشته و افغان های بیشماری بخاک و خون می غلطند و خانه و کاشانه شان ویران می گردد.

امریکایی ها بمنظور حمایه و پشتیبانی نظامیان افغان، بحملات هوایی شان بر مواضع "طالب" ها افزایش بعمل آورده اند. به نقل از برخی از جنرال های امریکایی، روزهای دشواری پیش رو می باشد. از ختم و پایان درگیری های مسلحانه در کشور هیچ نشانه ای بنظر نمی رسد. در امتداد هفته های پسین در ولایت های ننگرهار، پکتیا، لوگر، غزنی، کندهار، هرات، بلخ، جوزجان، سمنگان، سرپل، هلمند، بدخشان کندز و بغلان شاهد درگیری های مسلحانه و درگیری های خونینی میان طرف های موجود بودیم. دولت نیز بمنظور جلوگیری از تحرکات مسلحانه مخالفان در ۳۱ - ۳۴ ولایت کشور قیود شب گردی وضع نموده است.

از جانب دیگر، نظامیان پاکستانی بگونه آزادانه در مناطق مرزی کشور که تحت تصرف "طالب" ها می باشد، آزادانه وبگونه واضحی همراه با "طالب" ها به تحرکات مسلحانه ای ادامه می دهند.

مقام رهبری ولایت ننگرهار اعلام نمود که در میان کشته شدگان درگیری های پسین در آن ولایت، جسدهای کشته شده ۳۹ تن از پاکستانی ها نیز شناسایی گردیده که در نوع خود، گواه واضح و روشنی از نقش اسلام آباد در درگیری کشور ما محسوب می گردد.

یکشنبه ۱۰ ماه اسد سال ۱۴۰۰ خورشیدی